

خشونت خانوادگے

علیہ زنان و کودکان

مؤلفان

میترا خاقانی فرد

سوسن صابئی

میترا سپاسی

نگارستان اندیشه

تهران ۱۳۹۴

سرشناسه: خاقانی فرد، میترا، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور: خشونت خانوادگی علیه زنان و کودکان / مولفان میترا خاقانی فرد،
سوسن صائبی، میترا سپاسی.
مشخصات نشر: تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۱۹۵ ص.: جدول.
فروست: علوم اجتماعی؛ ۲.
شابک: 978-600-93744-3-4
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: قربانیان خشونت در خانواده. کودکان -- خشونت علیه زنان -- خشونت علیه
تجانی جنسی
شناسه افزوده: صائبی، سوسن، ۱۳۳۷ - . سپاسی، میترا.
رده بندی دیویی: ۳۶۲/۸۲۹۲۳ - شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۸۵۰۰۴

خشونت خانوادگی علیه زنان و کودکان

سوسن صائبی، میترا سپاسی، میترا خاقانی فرد

ناشر: نگارستان اندیشه

ویراستار: وحید دریاییگی

چاپ: اول، ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

طراح جلد: نوآوران

حروفچینی و آماده سازی: فرهنگ گستر

چاپ و صحافی: رامین

نشانی ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹ واحد ۷

تلفکس: ۶۶۴۳۵۴۲۳ - ۶۶۹۴۲۵۴۲

فهرست مطالب

۱- مقدمه	۹
۲- تاریخچه خشونت خانوادگی	۱۵
۳- تعریف خشونت	۱۷
۴- تعریف خشونت خانوادگی نسبت به زنان	۱۹
۵- طبقه‌بندی خشونت	۲۰
- خشونت بدنی یا فیزیکی	۲۱
- خشونت روانی	۲۲
- خشونت جنسی	۲۳
- خشونت اقتصادی	۲۳
۶- انواع خشونت در خانواده طبق مشخصات قربانی	۲۴
- خشونت بین همسران	۲۴
الف: خشونت شوهر نسبت به زن	۲۴
ب: خشونت زن نسبت به شوهر	۲۶
ت: خشونت نسبت به سالمندان	۲۸
۷- انواع دفاع‌ها در برابر مسئولیت‌پذیری در قبال سوء رفتار	۲۹
۸- عوامل موثر ارتکاب خشونت	۳۱
۹- بررسی ویژگیهای روان‌شناختی مردان همسر آزار	۴۰

- ۱۰- عوارض و تبعات خشونت خانوادگی بر علیه زنان ۵۱
- عوارض جسمانی خشونت ۵۱
- بیماریهای مقاربتی، شامل HIV/AIDS ۵۲
- ۱۱- پیامدهای روان شناختی و اجتماعی خشونت علیه زنان ۵۳
- ۱۲- تاثیر سرمایه‌های اجتماعی بر خشونت علیه زنان و سلامت روان آنان ۶۰
- ۱۳- تبعیض جنسی بعنوان یک مشکل ۶۴
- ۱۴- مقاومت زنان در برابر خشونت خانوادگی ۶۷
- ۱۵- عدم گزارش خشونت ۷۰
- ۱۶- نظریه‌های جامعه شناختی خشونت خانوادگی ۷۵
- نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی ۷۵
- نظریه منابع ۷۸
- نظریه فمینیستی ۸۵
- نظریه نقش‌ها ۹۰
- نظریه کارکردگرایی ۱۰۰
- نظریه مبادله ۱۰۱
- نظریه فرهنگی ۱۰۳
- تئوری نظارت اجتماعی ۱۰۵
- نظریه‌های نابرابری جنسی ۱۰۶
- دیدگاه پدر سالار ۱۰۷
- گلس ۱۰۷
- مارتین ۱۰۸
- دابش‌ها ۱۰۸
- کولنیز ۱۱۱

- ۱۱۳ - نظریه زیست محیطی
- ۱۱۴ - نظریه تضاد
- ۱۱۹ - نظریه خرده فرهنگ خشونت
- ۱۲۱ - دیدگاه اجتماعی فرهنگی موقعیتی
- ۱۲۲ - نظریه‌های روان شناختی خشونت خانوادگی
- ۱۲۳ - تئوری روان تحلیلی
- ۱۲۶ - تئوری رفتارگرایی
- ۱۲۸ - تئوری انتقال بین نسلی خشونت (چرخه خشونت)
- ۱۲۹ - تئوری شناختی
- ۱۳۱ - نظریه یادگیری اجتماعی
- ۱۳۵ - دیدگاه ویژگی‌های روانشناختی
- ۱۳۶ - نظریه پرخاشگری و خشونت
- ۱۳۹ - دیدگاه ناکامی، پرخاشگری
- ۱۴۰ - ۱۸. مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی
- ۱۵۹ - کودک‌آزاری
- ۱۵۹ - ۱- مقدمه
- ۱۶۲ - ۲- خشونت نسبت به کودکان
- ۱۶۴ - ۳- تاریخچه کودک‌آزاری در جهان
- ۱۶۶ - ۴- تاریخچه کودک‌آزاری در ایران
- ۱۶۸ - ۵- پیامد کودک‌آزاری روی کودکان
- ۱۷۰ - عوارض جسمی
- ۱۷۰ - عوارض روانی - عاطفی
- ۱۷۲ - ۶- تئوری در حیطه کودک‌آزاری
- ۱۷۲ - - الگوی انتقالی

خشونت خانوادگی علیه زنان و کودکان ۸

- ۱- نظریه فروید درباره کودک آزاری ۱۷۳
- ۲- نظریه رفتاری- شناختی ۱۷۴
- ۷- زنانی که کودکان را آزار می دهند ۱۷۵
- ۸- مروری بر مطالعات انجام شده در ایران و سایر کشورها ۱۷۶
- ۹- راهکارهای اساسی در پیشگیری از خشونت علیه زنان ۱۸۱
- ۱۰- منابع فارسی ۱۸۴
- ۱۱- منابع انگلیسی ۱۹۰

www.ketab.ir

مقدمه

در بین تمامی نهادها، سازمانها و تاسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیت خاص و بسزایی دارد. تمامی آنان که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند بر خانواده و اهمیت آن برای جامعه تاکید ورزیده‌اند. به درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعا سلامت کند، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. بی‌شک، هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده پدید آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵).

به دلیل مقام و منزلت خانواده سال ۱۹۹۴ به عنوان سال بین المللی خانواده اعلام شد. سازمان ملل همچنین به دلیل اهمیت و جایگاه رفیع خانواده ۱۵ می که مصادف با ۲۵ اردیبهشت ماه می‌باشد را به عنوان روز جهانی خانواده اعلام نموده است. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به این که خانواده از قداست خاصی برخوردار می‌باشد علاوه بر روز جهانی خانواده، بیست و پنجم ذیحجه که سالروز نزول سوره مبارکه انسان است را بعنوان روز خانواده اعلام کرده است (احمدی، ۱۳۸۱).

خانواده، این واحد به ظاهر کوچک اجتماعی از ارکان عمده و از نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. در واقع هر خانواده را باید خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت و رسوم و ارزشهای والا و مورد احترام، و شالوده مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی، مبدا بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط میان افراد، و مهر پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح

انسانی به حساب آورد (سیف، ۱۳۶۸). در اکثر تعالیم الهی، به ویژه در مکتب انسان ساز اسلام، به طور مکرر به نقش خانواده در حفظ سلامت روانی و امنیت و آرامش روحی و تحکیم روابط اجتماعی اشاره شده است.

محیط خانواده ممکن است بنا به دلایلی متشنج شده و در معرض آفت‌ها و آسیب‌ها واقع شود، و از عملکرد مثبت و طبیعی خود خارج گشته و حالت اعتراض به خود گیرد. در بین تمامی اعضای خانواده، مادر نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، زیرا مادر است که تمام توجه و صحبت‌های لازم را در اوایل به فرزندان می‌دهد، زمینه رشد شخصیت آنها را فراهم می‌نماید آنها را برای ورود به جامعه بزرگتر آماده می‌کند و بسیاری نقشهای مفید دیگر، و همین مادران اگر مورد انواع خشونت آن هم توسط صمیمی‌ترین و نزدیک‌ترین افراد خانواده واقع شوند، آسیب‌های جسمانی و روانی مادی گریبانگیر آنها شده فرزندان آنها نیز در معرض آسیب‌ها و آفت‌ها قرار می‌گیرند و جامعه نیز از عوارض و تبعات آن بی‌نصیب نمی‌ماند.

پدیده خشونت خانوادگی بر علیه زنان ریشه بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی تلقی می‌گردد، در تمامی کشورهای دنیا، توسعه یافته ما و در حال توسعه و در همه طبقات اجتماعی، اقتصادی و گروه‌های سنی و شغلی متفاوت وجود دارد. تا چند دهه قبل تصور بر این بود که خشونت در خانواده خاص خانواده‌هایی است که دارای مشکلات مادی، سطوح پایین فرهنگی و شرایط بحرانی مانند طلاق بوده‌اند، اما نتایج تحقیقات بر خلفا تصور رایج نشان داد که خشونت در میان همه خانواده‌ها وجود دارد (اعزاز، ۱۳۷۷).

در واقع نبود امنیت در خانواده برای والدین و فرزندان وعدم ارضاء نیازهای عاطفی آنان، می تواند زمینه ساز سرخوردگی، اضطراب شدید، افسردگی، احساس بی کفایتی، انحرافات اخلاقی، افزایش جرم و جنایت، اعتیاد، خودکشی گردد. (صافی، ۱۳۷۴).

نتیجه خشونت خانوادگی نه تنها باعث ایجاد مشکلات فردی، بلکه عواقب سنگینی برای جامعه در بر دارد، در حقیقت برای داشتن جامعه‌ای سالم و افرادی متعادل در جامعه نمی توان روابط خشونت آمیز خانوادگی را نادیده گرفت. زیرا نتایج ناشی از رفتار خشونت آمیز خانوادگی بر قربانی، سبب می شود او در روابط اجتماعی خود با دیگران رفتار ناپهنجاری داشته باشد، قربانیان خشونت خانوادگی، در محیط خارج از خانه مانند مدارس، محل های کار و اصولاً در هر جایی که به شکل سازمان یافته با دیگران در ارتباط اجتماعی قرار دارند، مشکلاتی مواجه اند و از نظر اجتماعی و رفتار مناسبی ارائه نمی دهند، این افراد از نظر بهداشت و سلامت عمومی جامعه استعداد زیادی برای ابتلا به انواع بیماریها دارند (اعزازی، ۱۳۸۰).

خشونت خانوادگی عوارض و پیامدهای نامطلوب و جسمانی و روانی، در تک تک اعضاء خانواده بر جای می گذارد و مانعی در جهت رشد و کمال آنها محسوب می شود، و حتی از چهارچوب خانواده فراتر رفته بر محیط های اقتصادی، فرهنگی و خدماتی تاثیر منفی گذاشته و در واقع جامعه را نیز متغیر می سازد. و نیز با توجه به این که رعایت حقوق انسانها الزامی است و عزت نفس آنها اهمیت دارد، ضرورت دارد عواملی را که موجب باز ماندن این نهاد هم، از رشد طبیعی خود می شود شناسایی نماییم. چرا که شناسایی و درک تنوع پیچیدگی عوامل موثر بر

خشونت خانوادگی علیه زنان و کودکان ۱۲

ایجاد خشونت خانوادگی عامل مهمی در ارائه پیشنهادات و کاربرد روشهای ضحیح‌تر در پیشگیری و درمان آن محسوب می‌شود.

زنان و کودکان بیشترین آمار قربانیان خشونت‌های خانوادگی را به خود اختصاص داده‌اند. در واقع در همه کشورها، بیشترین خشونت و بهره‌کشی در خانواده توسط مرد صورت می‌گیرد که این مساله منجر به قربانی شدن زنان و کودکان می‌گردد.

طبق شواهد دیوان عالی ایالات متحده آمریکا زنان یازده بار بیشتر از مردان قربانی خشونت خانوادگی می‌شوند، گزارشهای دیگری نیز حاکی از آن هستند که در ۹۵ درصد از خشونتهای زناشویی زنان بعنوان قربانی و مردان بعنوان مرتکب، شناخته شده‌اند (دانون ۱۹۹۴)، به نقل از آمرمان و هرسن، (۱۹۹۴).

خشونت خانوادگی پیامد و عوارض جسمانی و روانی خوشایندی گریبانگیر قربانیان می‌کند، از جمله اختلال تنش پس از ضربه یا PTSD، افسردگی، کاهش عزت نفس، اضطراب و... که متوجه زنان قربانی می‌شود (همان منبع)، و اختلالات وخیم رفتاری و نیز مشکلات هیجانی و شناختی که کودکان قربانی را تهدید می‌کند (یاتر ۱۹۹۴)، به نقل از گارتنر و دیگران (۱۹۹۷).

تحقیقات متعدد به عمل آمده، در پاسخ به این سوال که چه عواملی در بروز پدیده خشونت خانوادگی و بالاخص خشونت مردان نسبت به همسران خود دخالت دارند، حاکی از آن هستند که عوامل مختلف در سه سطح مکان، خرد و بین فردی در بروز این پدیده دخالت دارند. اکثر تحقیقاتی که تاکنون پیرامون این مساله صورت پذیرفته است بر متغیرهای کلان از جمله وضعیت اقتصادی، کاهش در آمد خانواده،

بیکاری، چالشهای فرهنگی واجتماعی، تبعیض جنسیتی، قدرت، جامعه‌پذیری جنسیتی و... تاکید داشته‌اند.

در زمین عوامل فردی و شخصی که در بروز خشونت تاثیر می‌گذارد می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی، بیماریهای روانی، اعتیاد و... اشاره کرد که از جمله نتایج تحقیق هامبرگر و دیگران (۱۹۹۹) نشان داد که مردان مرتکب خشونت زناشویی نسبت به مردان غیر مرتکب به میزان بالاتری دارای اختلالات شخصیت هستند.

همانطور که ذکر شد خشونت علیه زنان به عنوان یکی از آسیب‌های جوی و خطرناکی که سلامت جسمانی و روانی زنان را تهدید می‌کند، در نظر گرفته می‌شود. یافته‌های پژوهش آزاده و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد اثرات جبران ناپذیری که خشونت خانگی بر زنان قربانی می‌گذارد عبارتند از انواع افسردگی‌ها، از کار افتادگی ادراکی، از بین رفتن اعتماد به نفس عدم کفایت زن در مدیریت خانواده گریز از مشارکت در امور اجتماعی، باز سازی رفتار خشونت آمیز در کودکان.

سرمایه‌های اجتماعی شامل انواع حمایت‌هایی است که گروه برای اعضایش فراهم می‌کند. سرمایه اجتماعی شبکه بر روابط در حمایت‌های دریافتی که از طریق شبکه روابط، در دسترس فرد قرار می‌گیرد، تاکید دارد. این شبکه روابط می‌تواند از طیف وسیعی از انواع حمایتها را در دسترس خود قرار می‌دهد. ویژگی‌های شبکه روابط اجتماعی فرد در ابعاد مختلف تعاملی کار کردی، میزان نوع و نحوه تعاملات فرد با اعضا شبکه را مشخص می‌کند.

دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی که منجر به شکل‌گیری خود پنداره مثبت‌تری در فرد می‌شود. داشتن اعتماد به نفس و قدرت تصمیم‌گیری و توانایی اندیشیدن را به زنان می‌دهد و شرایطی فراهم می‌آورد که آنان در

برخورد و حل مسائل و مشکلات اجتماعی خانوادگی بیش آمده کمتر دچار اضطراب، دسترسی و تشویق شوند و از راه حل های مناسب برای حل مسائل استفاده می کنند. به طبع داشتن چنین توانایی هایی به حفظ ارتقاء سلامت روان آنان هم کمک می کند.

پیروی از ارزشها و کلیشه های رایج جنسیتی زنان را دچار فرسودگی درماندگی آموخته شده می کند و مطابق با تعریف جامعه پذیری و بیان شرایط ویژگی هایی که برای زنان و مردان ترسیم کرده اند زنان نه تنها در زندگی اجتماعی خانوادگی مرد خشونت قرار می گیرند و امکان دسترسی به سرمایه های اجتماعی را از دست می دهند بلکه در زندگی خانوادگی شان هم از هیچ قدرتی در تصمیم گیری درباره امور منزل و فرزندان بر خوددار نیستند و همچنان در حاشیه باقیه می مانند.